




Scientific Journal  
**The History of Islamic Culture  
And Civilization**

Vol. 16, Autumn 2025, No. 60

**Achieving the Quranic Model in Prioritizing Elements  
of the Cultural System in Surah Qalam**

Seyyed Rasoul Mirashrafi Langroodi<sup>1</sup> \ Mohammad Hossein Daneshkia<sup>2</sup>  
\ Mohammad Motlabi<sup>3</sup>

1. PhD student in Islamic History and Civilization, Maaref University, Qom, Iran. (Corresponding author).  
*s.r.mirashrafi64@gmail.com*
2. Associate Professor, Department of Islamic History and Civilization, Maaref University, Qom, Iran.  
*daneshkia@maaref.ac.ir*
3. PhD student in Theological Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.  
*m.m55702797@gmail.com*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article    <b>Received:</b> 2023/10/28 <b>Accepted:</b> 2024/04/30	Culture can be considered the foundation and lifeblood of any society due to its fundamental role in the advancement of human thought and behavior. Cultural scholars believe that culture is formed through a time-consuming process centered on and arranged in the three areas of beliefs, values, and behaviors. The present article focuses on Surah Al-Qalam and attempts to discover the desired pattern using a descriptive-analytical method. Therefore, after going through the stages of lexical observation and cultural semantics of the Surah, the Quranic pattern in this Surah was revealed based on the existing standards in each dimension of the cultural system, the overall process of which was presented in the form of a pattern. In all three types of these patterns, the elements of insight are common, and in the other two types, one of the other two elements is missing. The pattern in question in this Surah is a cultural system fixed in the element of insight. This indicates that the layer of the divine worldview and the remembrance of the afterlife are prioritized in regulating the individual and social behaviors of individuals. On the other hand, it is also variable in relation to the other two dimensions, which is determined in the process of the desired pattern, and this has caused a structural distinction in the order of these elements with the approach of cultural scholars.
<b>Keywords</b>	Discovering the pattern of Surah Qalam, cultural system, elements of cultural system, priority assessment.
<b>Cite this article:</b>	Mirashrafi Langroodi, Seyyed Rasoul, Mohammad Hossein Daneshkia & Mohammad Motlabi (2025). Achieving the Quranic Model in Prioritizing Elements of the Cultural System in Surah Qalam. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 16 (3). 63-88. DOI: 10.22034/16.60.61
<b>DOI:</b>	<a href="https://doi.org/10.22034/16.60.61">https://doi.org/10.22034/16.60.61</a>
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## نيل نموذج القرآن في مقياس اولويه عناصر النظام الثقافي في سورة القلم

سيد رسول مير اشرفي لنكرودي<sup>١</sup> / محمد حسين دانشكيا<sup>٢</sup> / محمد مطلبلي<sup>٣</sup>

١. طالب دكتوراه مدرس المعارف فرع التاريخ و الحضارة الاسلامية جامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران (الكاتب المسؤول).

s.r.mirashrafi64@gmail.com

٢. استاذ مرادف فرع التاريخ و الحضارة الاسلامية جامعة المعارف الاسلامية، قم، ايران.

daneshkia@maaref.ac.ir

٣. طالب دكتوراه المذاهب الاسلامية جامعة الاديان و المذاهب، قم، ايران.

m.m55702797@gmail.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	ان الثقافة بواسطة دوره الاساسي لاعتلاء البشر في الفكر و السلوك يمكن اعتباره الاساس و لب الحياة لكل مجتمع. يري الباحثون الثقافيون ان ثقافته خلال مسار زمني مع محور و تنظيم منسق يتبلور في ثلاث ميادين الاعتقادات، القيم و السلوكيات. البحث الحاضر يدرس سورة القلم و يسعى من خلال اسلوب وصفي - تحليلي الي كشف النموذج المطروح. لذلك فيعد طي مراحل رصد المفردات و علم الدلالة الثقافية للسورة، يتبين النموذج القرآني في هذا السورة علي اساس المعايير الموجودة في كل بعد من النظام الثقافي حيث تم في مساره الشامل تقديمه في اطار الانموذج. في الانواع الثلاث من هذه النماذج كان عنصر الرؤي مشتركة و في النوعين الآخرين نحن في مواجهة مع فقد احدي العنصرين الآخرين. النموذج المطروح في هذه السورة علي اساس النظام الثقافي في عنصر الرؤي ثابتة حيث تدل علي اولويته. الروية العالمية الربوبية و يذكر بعالم ما بعد الموت في تنظيم السلوكيات الفردية و الاجتماعية للافراد. من جانب آخر ايضا فان النسبة بين البعدين الآخرين متغير حيث يتبين في مسار النموذج المنظور و هذا الامر يؤدي الي ايجاد التمايز في ترتيب العناصر بوجه الباحثين الثقافيين.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/٠٤/١٣	
تاريخ القبول: ١٤٤٥/١٠/٢١	
الألفاظ المفتاحية	كشف انموذج سورة القلم، النظام الثقافي، عناصر النظام الثقافي، قياس الاولوية.
الاقتباس:	مير اشرفي لنكرودي، سيد رسول، محمد حسين دانشكيا و محمد مطلبلي (١٤٤٧). نيل نموذج القرآن في مقياس اولويه عناصر النظام الثقافي في سورة القلم. مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٦ (٣). ٨٨ - ٦٣.
رمز DOI:	DOI: 10.22034/16.60.61 https://doi.org/10.22034/16.60.61
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

## دستیابی به الگوی قرآن در اولویت‌سنجی عناصر نظام فرهنگی در سوره قلم

سید رسول میراشرفی لنگرودی<sup>۱</sup> / محمدحسین دانشکیا<sup>۲</sup> / محمد مطلبی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف رشته تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

*s.r.mirashrafi64@gmail.com*

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

*daneshkia@maaref.ac.ir*

۳. دانشجوی دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

*m.m55702797@gmail.com*

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۸۸ - ۶۱)</p>  <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲</p>	<p>فرهنگ را به واسطه نقش بنیادین آن از جهت تعالی انسان‌ها در اندیشه و رفتار می‌توان اساس و مایه حیات‌بخش هر جامعه‌ای دانست. فرهنگ پژوهان معتقدند فرهنگ طی فرایندی زمان‌بر با محوریت و ترتیب چیدمانی سه حوزه باورها، ارزش‌ها و رفتارها شکل می‌گیرد. نوشتار حاضر سوره قلم را محور پژوهش خویش قرار داده و در تلاش است با روش توصیفی - تحلیلی به کشف الگوی موردنظر بپردازد. از این رو پس از طی مراحل رصد واژگانی و دلالت‌شناسی فرهنگی سوره، الگوی قرآن در این سوره براساس سنجه‌های موجود در هر بُعد از نظام فرهنگی هویدا گردید که فرآیند کلی آن در قالب الگو ارائه گردید. در هر سه نوع از این الگوها عنصر بینش، مشترک بوده و در دو نوع دیگر با فقدان یکی از دو عنصر دیگر مواجه هستیم. الگوی موردنظر در این سوره براساس نظام فرهنگی در عنصر بینش ثابت است که نشان‌گر اولویت‌دار بودن لایه جهان‌بینی ربوبی و یادآوری جهان پس از مرگ در تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی افراد می‌باشد. از سویی دیگر نیز نسبت به دو بعد دیگر متغیر بوده که در فرایند الگوی موردنظر مشخص می‌گردد و این امر باعث تمایز ساختاری در ترتیب این عناصر با رویکرد فرهنگ‌پژوهان شده است.</p>
<p>واژگان کلیدی</p>	<p>کشف الگوی سوره قلم، نظام فرهنگی، عناصر نظام فرهنگی، اولویت‌سنجی.</p>
<p>استناد:</p>	<p>میراشرفی لنگرودی، سید رسول محمدحسین دانشکیا و محمد مطلبی (۱۴۰۴). دستیابی به الگوی قرآن در اولویت‌سنجی عناصر نظام فرهنگی در سوره قلم. <i>تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی</i>. ۱۶ (۳). ۸۸ - ۶۳. DOI: 10.22034/16.60.61</p>
<p>کد DOI:</p>	<p><a href="https://doi.org/10.22034/16.60.61">https://doi.org/10.22034/16.60.61</a></p>
<p>ناشر:</p>	<p>دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.</p>

## مقدمه

مقوله فرهنگ یکی از مباحث کلیدی در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی است. فرهنگ را با نقش زیربنایی که در تعالی اندیشه و رفتار انسان‌ها در حوزه‌های فردی و اجتماعی دارد، می‌توان اساس و مایه حیات‌بخش هر جامعه‌ای دانست. به باور فرهنگ‌پژوهان، فرهنگ در فرایند تاریخی با محوریت سه حوزه باورها، ارزش‌ها و رفتارها، فرد و جامعه انسانی را به سمت اهداف مطلوب رهنمون می‌سازد. به سخن دیگر، لایه‌های تشکیل‌دهنده نظام‌های فرهنگی در جوامع که ساختار فرهنگی آنها را دربرمی‌گیرند این سه لایه‌اند. منظور از نظام فرهنگی مجموعه‌ای است به هم پیوسته، منسجم و منظم که در پی انجام هدفی خاص برمی‌آیند.<sup>۱</sup> در بحث از نظام فرهنگی، با توجه به تعریف مطرح‌شده، لازم است که اجزا و قسمت‌هایی را طرح کرد. این اجزا که همان اجزای عناصر نظام فرهنگی‌اند سه عنصر بینش، ارزش و رفتارند<sup>۲</sup> که هر یک نقش و جایگاهی خاص در پیشبرد اهداف نظام فرهنگی دارند. در مطالعات فرهنگی، عناصر نظام فرهنگی به ترتیب باور، ارزش و رفتارند. با توجه به اینکه همه آموزه‌های قرآن برای دستیابی به رشد و سعادت بشر و بر پایه هدایتگری آن استوار شده، خداوند در کتاب شریفش برنامه‌ای براساس هدایت نوع بشر در همه جنبه‌های فردی و اجتماعی معرفی کرده است.

نظام فرهنگی ارائه‌شده قرآنی برای تحول در وضع فرهنگی انسان‌هاست و از این رو نباید به جایگاه و نقش بی‌بدیل این نظام به مثابه فرهنگی معیار در تمدن و تمدن‌سازی اسلامی بی‌توجه بود و از آن چشم پوشید. بنابراین، این نوشتار در پی کشف و استخراج اولویت‌بندی قرآن درباره عناصر نظام فرهنگی مطلوب با توجه به ملاک‌های مؤثر در اولویت‌بندی‌های مطلوب قرآن است؛ به دیگر سخن، کشف و اثبات اینکه آیا الگوی ارائه‌شده خداوند در اولویت‌بندی عناصر نظام فرهنگی مدلی ثابت است که براساس آن اولویت به ترتیب با بینش، ارزش و رفتار است یا ممکن است شناور و متغیر باشد؛ برای مثال، آیا به رفتارسازی پس از بینش و قبل از ارزش‌گذاری تأکید کرده است؟ اینکه مدل اولویت‌سنجی قرآنی در حیطه باورها به شکلی است که در قرآن پیش از ارزش‌سازی، باورسازی را مد نظر قرار می‌دهد یا اینکه در ابتدا اصلی را ثابت، و ارزش‌ها و رفتارها را بر همان اصل مبتنی می‌سازد؟

پژوهه پیش رو، با محوریت سوره قلم به عنوان الگو، به اولویت‌سنجی عناصر نظام فرهنگی پرداخته و تنوع الگویی موجود را بررسی کرده است. سوره قلم از چندین جهت سوره‌ای مناسب برای تحقیق با رویکرد مدنظر است: از نخستین سوره‌هایی است که در فضای فرهنگی خاص مکه نازل شد؛<sup>۳</sup> افزون بر

۱. عبدی، نظام فرهنگی - اجتماعی مطلوب در قرآن، ص ۱۸.

۲. پیروزمند، مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی، ص ۱۴۸.

۳. روایات متعدد و مختلف موثق و مورداعتماد بزرگان اهل حدیث معمولاً در ترتیب نزول سوره‌ها نقل از ابن عباس را

این، دارای محتوایی چندگانه از جهت لایه‌های نظام فرهنگی است و دیگر اینکه سه بُعد مدنظر با نگاه شبکه‌ای می‌تواند مورد مناسبی در اجرای فرایند الگوی مطرح‌شده باشد.

### پیشینه پژوهش

اهمیت بررسی موضوعات فرهنگی و زیرشاخه‌های آن در قرآن و احساس نیاز به حل چالش‌های فرهنگی در همه برهه‌های زمانی سبب شده است کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه و رساله‌هایی در زمینه فرهنگ، مبانی فرهنگی، شناخت فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی در قرآن کریم نوشته شود؛ اما به‌طور خاص و با نگاهی جزئی در این زمینه (الگوی قرآن در اولویت‌سنجی عناصر نظام فرهنگی با تأکید بر سوره‌های قرآن) هیچ‌گونه کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌ای وجود ندارد. با این‌همه، به‌گونه کلی متونی با این رویکرد تدوین شده‌اند. مثلاً درباره فرهنگ و قرآن نگارش‌هایی صورت گرفته است. از جمله این نگارش‌ها می‌توان به کتاب‌هایی همچون **فرهنگ ناب اسلامی، مبانی و الگوهای مفهومی** (علی ذوعلم، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه)، **فرهنگ معیار** (انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، **جهان فرهنگی قرآن** (سید حسین فخر زارع، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه)، **رفتارشناسی مردم در برابر دعوت پیامبر اکرم از منظر قرآن و حدیث** (حبیب‌الله حلیمی جلودار، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه معارف) و **قرآن و فرهنگ زمانه** (سید محمدعلی ایازی، نشر کتاب مبین) و مقالاتی همچون «قرآن و فرهنگ عصر نزول» (عبدالمجید طالب تالش، فصلنامه علمی - پژوهشی **قبسات**)، «وحی و فرهنگ عصر نزول» (ابراهیم کلانتری، فصلنامه علمی - پژوهشی **علوم انسانی دانشگاه الزهراء**) و «مبانی و ساختار نظام فرهنگی از منظر قرآن کریم» (محمدرضا آقایی و نصرالله نظری) اشاره کرد. پژوهش‌های نام‌برده تنها از لحاظ موضوع نزدیک به پژوهش پیش رو هستند، ولی از لحاظ محتوایی تفاوت ماهوی با بحث این نگاره دارند.

### مفهوم‌شناسی

واژگان بنیادین پژوهش پیش رو عبارت‌اند از فرهنگ، الگو، نظام و عناصر نظام فرهنگی که به‌اجمال بررسی می‌شوند.

### فرهنگ

فرهنگ از پیشوند فر به همراه هنگ، از ریشه تنگ اوستایی، به معنای کشیدن گرفته شده است.<sup>۱</sup> در

---

پذیرفته‌اند؛ از جمله روایت محمد بن حسن بن اسد کوهی از محمد بن کثیر و محمد بن سائب کلبی از ابوصالح از

ابن عباس که نقل به نزول ۸۲ سوره از قرآن کریم در مکه شده است (ر.ک: یعقوبی، **تاریخ یعقوبی**، ج ۱، ص ۳۹۰).

۱. دهخدا، **لغت‌نامه**، ج ۱۱، ص ۱۰۱.

فرهنگ لاتین، فرهیختن و فرهنگ معنای مطابقی با ادوکات<sup>۱</sup> و ادوره<sup>۲</sup> دارد و به معانی کشیدن، تعلیم و تربیت است.<sup>۳</sup> فرهنگ به معنای فرهنگ نیز ذکر شده است که معانی علم، ادب و دانش را دربرمی‌گیرد و به کسی که به واسطه این آموزه‌ها تأدیب گردیده، فرهنگ آموز گویند.<sup>۴</sup> فرهنگ<sup>۵</sup> در دیکشنری لاتین **لاتگمن**<sup>۶</sup> به معنای اعتقادات، راه زندگی، هنر و آداب و رسوم ذکر شده که مشترک و پذیرفته‌شده مردم در جامعه خاص باشد و نیز به نگرش‌ها و اعتقادات درباره چیزی که یک گروه خاص از مردم اشتراک گذاشته باشند معنا شده است.<sup>۷</sup>

در تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی، به نظام‌واره‌ای متشکل از باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری، نمادها و مصنوعات که در نهایت هویت جامعه را تشکیل می‌دهند می‌دهند فرهنگ گفته می‌شود.<sup>۸</sup> علامه جعفری معتقد است کیفیت یا شیوه بایسته یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد فرهنگ است.<sup>۹</sup>

فرهنگ در نظر شهید مطهری عواملی است که در ساخته شدن شخصیت انسان دخالت دارند: عامل درونی «فطرت»، عامل بیرونی «طبیعت» و «جامعه» که مجموع اینهاست، فرهنگ و روح جامعه را می‌سازند.<sup>۱۰</sup>

آیت‌الله مصباح فرهنگ را مایه‌هایی می‌داند که تمایز بین رفتارهای انسان و سایر حیوانات را به وجود می‌آورد.<sup>۱۱</sup>

نگارنده معتقد است که فرهنگ در بردارنده سه لایه بینش، ارزش و رفتار است و در واقع رفتارهایی که در سطح یک جامعه در ابعاد فردی و اجتماعی بروز می‌کند حاصل و نتیجه باورها و ارزش‌گذاری‌های شخص در مسئله‌ای خاص است.

1. Educat.

2. Edure.

۳. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۱، ص ۱۰۰۱.

۴. همان.

5. Culture.

6. Longman.

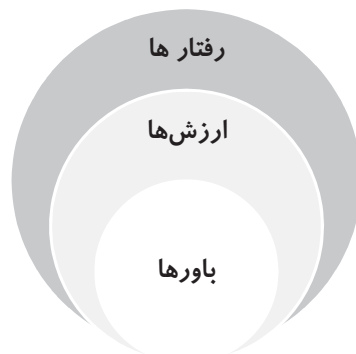
7. Longman, Culture.

۸. ذوعلم، فرهنگ ناب اسلامی، ص ۴۴.

۹. جعفری تبریزی، مجموعه آثار ۱ (عرفان اسلامی)، ج ۱.

۱۰. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۷۹۹.

۱۱. مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص ۷۱.



## الگو

واژه pattern معانی مختلفی از جمله انگاره، شکل، نمونه، قالب، طرح و مدل<sup>۱</sup> دارد. الگو را به یک معنا می‌توان نمونه‌ای از یک واقعیت و نمایش نظری ساده‌ای از جهان خارجی و عینی<sup>۲</sup> با وسعت و حجمی کوچک‌تر، با دسترسی ساده‌تر، آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر دانست که فرد را در راه بررسی نمونه واقعی و بررسی کامل‌تر آن یاری می‌کند و نتیجه‌گیری را سهولت می‌بخشد.<sup>۳</sup> الگو را می‌توان مجموعه‌ای از مفاهیم ساده‌شده دانست که می‌تواند تصویری از چهره پیچیده یک پدیده نمایان سازد و نیز نقشه راهی برای درک بهتر ساختارها فراهم کند.<sup>۴</sup>



نمودار تبیینی الگو در مطالعات علمی<sup>۵</sup>

۱. بریجانیان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ص ۴۱۹.
۲. سورین، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، ص ۶۵.
۳. رزاقی، نظریه‌های ارتباطات اجتماعی، ص ۱۸۴.
۴. فیتس‌جرالد، الگوهای سازمانی، ترجمه راحله فاضلی، ص ۱۳.
۵. باید توجه داشت که در مطالعات علمی الگو دارای مؤلفه‌هایی همچون جامعه‌نگری، آینده‌نگری و ظرفیت برنامه‌ریزی

## نظام و عناصر نظام فرهنگی

نظام فرهنگی به نظامی واحد، منسجم و متشکل از عقاید، باورها، هدف‌گذاری‌ها و رفتارهای افراد هر جامعه اطلاق می‌شود که چهارچوبی را برای افراد جامعه در دایره فرهنگ براساس لایه‌بندی‌های این ساختار مشخص می‌کند.<sup>۱</sup> به دیگر سخن، نظام فرهنگی مجموعه‌ای نظام‌وار از بینش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی‌اند که ارتباط منطقی و علی و معلولی در هسته و زایش رفتار و پیرامون این هسته وجود دارد. تمایز این نظام از نظام‌های دیگر مطالعات اجتماعی این است که نظام‌های فرهنگی متشکل از دو حیطة پوسته و هسته‌اند و درون هسته مرکزی نظام فرهنگی (بینش‌ها و ارزش‌ها) تلاش برای تولید، تأیید و تصحیح رفتارها شکل می‌گیرد. بر این اساس، ورود به حیطة‌های درونی و مرکزی فرهنگی از حیطة رفتارها آسان‌تر است.<sup>۲</sup> در این میان، بینش‌ها و باورها توجه خود را به معانی، مفاهیم،<sup>۳</sup> اندیشه‌ها، اعتقادات و حیطة شناخت انسان‌ها معطوف می‌کنند.<sup>۴</sup> باورهای هر انسان میزان اعتقادی است که او به هر مقوله‌ای پیدا می‌کند و به آن معتقد می‌شود؛ اما در دایره ارزش‌ها و گرایش‌ها در نظام فرهنگی می‌باید به‌درستی به موارد ارزشی، شایسته‌ها، ناشایسته‌ها، خوب‌ها، بدها و... توجه کرد.<sup>۵</sup> ارزش‌های فرد در واقع همان اعتقادات و باورهایی است که برای وی به ارزش درباره مسئله‌ای تبدیل شده است.

حال با توجه به تعاریف عناصر بینش و ارزش، عنصر رفتار در نظام فرهنگی دربردارنده رفتار انسان‌های جامعه در حیطة‌های فردی و اجتماعی می‌شود و نیز شامل مواردی از جمله آداب احوالپرسی، نوع و نحوه پوشش فرد و نوع معماری استفاده‌شده است.<sup>۶</sup> رفتارهایی که افراد جامعه بروز می‌دهند منشعب از بینش‌ها و ارزش‌های نزد هر فرد و حاصل آنهاست.

## عناصر نظام فرهنگی در سوره قلم<sup>۷</sup>

بیان دو نکته در این بخش ضروری است: نخست اینکه برای کم کردن حجم پژوهش و محدودیت

صحیح در حل مسائل است. در این چرخه، تغییرات در حل مسئله مورد اتفاق خواهد افتاد که به مخاطب توان پیش‌بینی‌های علمی در مسئله خاص را می‌دهد.

۱. ناظمی اردکانی و فتح‌اله بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۱۳۱.

۲. ذوعلم، *فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم*، ص ۲۴.

۳. ناظمی اردکانی و فتح‌اله بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۱۱۳.

۴. عباسی، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ص ۲۷.

۵. همان.

۶. ناظمی اردکانی و فتح‌اله بیاتی، *رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن*، ص ۱۳۰.

۷. نوشتار حاضر بخشی از رساله نگارنده است که در آن ده سوره مورد واکاوی قرار گرفته و بخشی از الگو در سوره قلم است که در قالب مقاله ارائه می‌شود.

صفحات آن در این قالب پژوهشی، بر آن شدیم که یک سوره را در نظر بگیریم و پس از استخراج الگوی مطلوب، آن را به دیگر سوره‌ها تعمیم دهیم. در استخراج الگو، ملاک قابلیت تعمیم‌سازی الگو بر همه دامنه محدود شده است و پس از کشف الگوی مطلوب می‌توان همین الگو را در تمام دامنه مطلوب (همه سوره‌های قرآن) اجرا کرد و داده‌های استخراجی را سرایت داد؛ نکته دیگر اینکه در این مسیر ابتدا رصد واژگانی براساس عناصر نظام فرهنگی انجام، و سپس دلالت‌شناسی این آیات در قالب جداولی تنظیم می‌شود و داده‌ها در جدول رصد فرهنگی در قالب عناصر فرهنگی قرار می‌گیرند. خروجی این جداول به شکل نموداری چندوجهی ترسیم، و در مسیر دستیابی به الگوی مطلوب قرآن در سوره مورد بحث به کار گرفته می‌شود.

### بررسی اجمالی سوره قلم

سوره قلم از سوره‌هایی است که به‌طور کلی برای مجموعه آن شأن نزول وجود ندارد، بلکه موردی و به فراخور آیاتش شأن نزول‌هایی دارد که به آن می‌پردازیم. آیات ابتدایی این سوره در جریان اسلام آوردن و نماز خواندن امیرالمؤمنین علیه السلام و خدیجه علیها السلام نازل شده است.<sup>۱</sup> ابن‌ابی‌الحدید از امیرالمؤمنین علیه السلام ذیل آیه «وَإِنَّكَ لَعَلِي خُلِقَ عَظِيمٌ» نقل می‌کند که پس از تربیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط خداوند این آیه نازل شد.<sup>۲</sup> خلق پیامبر را همان قرآن معنا کرده‌اند.<sup>۳</sup>

برای آیات نهم تا دهم<sup>۴</sup> این سوره نقل شده است که برخی کفار بر این باور بودند که پیامبر در دین با آنها سازش و مدارا می‌کند، اما خداوند امر می‌کند که از آنها پیروی نکن.<sup>۵</sup> آیات ۱۷ تا ۳۲ در شأن فرزندان مردی نازل شده است که در زمان زنده بودنش مازاد مال خود را از باغ به فقرا صدقه می‌کرد، اما پس از مرگش، فرزندان از این کار دوری کردند و قرار گذاشتند که صبح زود پیش از آمدن فقرا حاصل باغ را بچینند. شب‌هنگام ملکی به امر خداوند آتش به باغ زد و آنها باغ را تلی خاکستر و باغی سوخته و

۱. «بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَائِمٌ يُصَلِّي مَعَ خَدِيجَةَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» فَقَالَ لَهُ مَا هَذَا يَا مُحَمَّدُ قَالَ هَذَا دِينُ اللَّهِ فَأَمَّنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ ثُمَّ كَانَا يُصَلِّيَانِ وَيَرْكَعَانِ وَيَسْجُدَانِ فَأَبْصَرَهُمَا أَهْلُ مَكَّةَ فَفَشَا الْخَبِرُ فِيهِمْ أَنْ مُحَمَّدًا قَدْ جَنَّ فَنَزَلَ ن وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» (ابن‌شهر آشوب مازندران، مناقب آل‌ابی‌طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۴).

۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

۳. ابن‌کنیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۲۰۷.

۴. «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيَدْهِنُونَ \* وَكَأ تَطْعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ».

۵. ابن‌سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ص ۴۰۴.

از بین رفته یافتند. خداوند در مذمت این کار این آیات را نازل فرمود.<sup>۱</sup> آیات ۴۳ و ۴۴، در شأن افراد بی‌اعتنا و سهل‌انگار به نماز جماعت نازل شده است؛ افرادی که صدای اذان را می‌شنیدند، اما به آن بی‌توجه بودند و واکنشی نشان نمی‌دادند.<sup>۲</sup> آیه ۵۱ زمانی فرود آمد که کفار می‌خواستند با چشم‌زخم به پیغمبر آسیبی برسانند و با نظر کردن ایشان را دچار آفتی کنند. در قبیله بنی‌اسد شخصی بود که اگر گوشت می‌خواست، به هر شتر و گاو فربه‌ی که در مسیرش می‌دید چشم‌زخم می‌رساند و به کنیز خود می‌گفت: زنبیل و پول بردار و برایم گوشت بیاور. مدتی نمی‌گذشت که آن شتر یا گاو که قبلاً او دیده و به آن چشم‌زخم رسانده بود در حال مرگ می‌افتاد و صاحبش مجبور می‌شد که سرش را ببرد و گوشتش را بفروشد. کلبی نقل می‌کند: مردی بود که دو یا سه روز هیچ غذایی نمی‌خورد و بر در منزل خود به گوسفندانی که از آنجا می‌گذشتند نگاه می‌کرد و می‌گفت: من تا امروز شتر یا گوسفندی به این خوبی و فربه‌ی ندیده‌ام. گوسفند هنوز چند گامی بر نداشته بود که به زمین می‌افتاد. کفار این مرد را فراخواندند تا به رسول‌الله چشم‌زخم برساند. همین کار را هم کرد. پس، خداوند تعالی فرستاده خود را از چشم‌زخم او در امان داشت و این آیه را فر فرستاد.<sup>۳</sup>

توضیحات	نقش در نظام فرهنگی			آیه
	رفتار	ارزش	بینش	
نعمت سلامت عقل و دوری از جنون که از جانب خداوند عطا شده است			*	ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ * مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ
خبر از آینده برای دلگرم کردن پیغمبر؛ اشاره به احاطه علم خداوند به گمراهان و هدایت‌شدگان			*	فَسَتَبْصِرُ وَيَصْبُرُونَ * بَأْيِكُمُ الْمُفْتُونَ * إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
تبعیت نکردن از دروغ‌گویان (ضمیم و دوا به مکذبین برمی‌گردد) و دیگر صفات	*			فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ * وَذُوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ * وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ * هَمَّا زَ مَثَاءً يُنْمِرُ * مَتَاعٌ لِلْخَيْرِ

۱. همان، ص ۴۰۵؛ طوسی، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، ج ۱۰، ص ۷۹.

۲. قمی، *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۳۸۳. «خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ فَذَرْنِي وَمَنْ يَكْذِبْ يَهْدِ اللَّهُ الْحَدِيثَ سَنَّتُ لَهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ».

۳. طبرانی، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۶، ص ۳۳۳. «وَإِنَّ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيَرْزُقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ».

توضیحات	نقش در نظام فرهنگی			آیه
	رفتار	ارزش	بینش	
مذمومی که بدان در عدم تبعیت امر شده است				مُعْتَدٍ أَثِيمٍ * عْتَلَّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ
مقابله با آیات الهی با محوریت اسطوره‌انگاری به واسطه تفاخر به مال و فرزند	*			أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ * إِذَا تُثْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
اشاره به عذاب آنهاست			*	سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ
اشاره به امتحان الهی و افعال الهی			*	إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ
بی‌توجهی به مستمندان و نیازمندان؛ رفتار نامطلوب علت عذاب و بلای اغنیا	*			وَلَا يَسْتَشْنُونَ
اشاره به نزول بلا و عذاب از جانب خداوند با نپرداختن سهم مستمندان و نیازمندان			*	فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ * فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ
گزارشی از رفتار انسان‌های دیگر در گذشته برای عبرت‌گیری و مذمت رفتارهای نامطلوبی همچون بی‌توجهی به حق محرومان و مسکینان	*			فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ * أَنْ ائِدُّوا عَلَيَّ حَرْبِكُمْ * إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَانطَلِقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ * أَنْ لَّا يَدْخُلَتْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ * وَغَدُوا عَلَيَّ حَرْدٍ قَادِرِينَ * فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَّالُونَ
محرومیت از نعمت الهی به واسطه رفتار نامطلوب؛ طغیان در برابر ظلم در حق خود؛ ناسپاسی دلیل محرومیت از دایره نعمت‌های الهی؛ بی‌اثری سرزنش در این مرحله	*			بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ * قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ كُنَّا تُسْبِحُونَ * قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضًا يَتَلَوُمُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ

توضیحات	نقش در نظام فرهنگی			آیه
	رفتار	ارزش	بینش	
امید به جایگزینی نعمت الهی؛ امید به خیرات از طرف خداوند	*			عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ
بیان عذاب اخروی؛ مقام عنایت نزد رب برای متقین به واسطه بهشت جنان			*	كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْأَخْرَى أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ * إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ
نابرابری مسلمانان با مجرمان؛ ارزش گذاری برای مسلمانان		*		أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ
تقیح سخنان و رفتارهای بی‌پشتوانه منطقی، علمی و... در قالب سؤالاتی که پاسخی در قبال آنها وجود ندارد؛ تثبیت رفتارهای ناپسند در قضاوت‌های بی‌پایه‌و‌اساس و مذمت انجام این‌گونه رفتارها از سوی مشركان	*	*	*	مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ * أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ * إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لِمَا تَخَيَّرُونَ * أَمْ لَكُمْ آيَاتٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ
بی‌توجهی به عذاب الهی؛ قدرت خداوند در عذاب و تنبیه مجرمان (در استدراج صبر وجود دارد. استدراج با صبر همراه است.) (در عذاب دیگران عجله نکن، بلکه تو وظیفه رسالت را انجام ده و عذاب آنها و نوع و زمان عذاب را به من بسپار)؛ فعل الهی			*	يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ ذَلَّةً وَقَدْ كَانُوا يَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ * ذَرْنِي وَمَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

توضیحات	نقش در نظام فرهنگی			آیه
	رفتار	ارزش	بینش	
پرسشی که مسیر انتقال باور است؛ در جواب به مقوله غیب اشاره دارد			* *	أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مُتَّقِلُونَ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ
ذکر صبر در مقام رفتاری پسندیده؛ نیل به مقام صالحان در آیات بعدی و یادکرد داستانی از بی‌صبری برای تثبیت این خصوصیت پسندیده	*			فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ
تمام نعمات از مجرای الهی نازل می‌شود؛ اگرچه صاحب نعمت نبی خدا باشد			*	لَوْ لَا أَنْ تَدَارِكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِّذَ بِالْعُرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ
باید با خداوند نجوا کرد تا بتوان به مقام صالحان رسید؛ «فراز بعدی» اشاره به ارزش نجوا با خداوند			*	فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ
فعل الهی			*	رَبَّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
مذمت رفتار ناپسند کفار در برابر قرآن و نبی خدا			*	وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ
قرآن وحی الهی است، نه حرف‌های فردی مجنون؛ ارزش‌گذاری برای قرآن		*		وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

### رصد بینشی، ارزشی و رفتاری آیات در سوره قلم

پس از آگاهی اجمالی از شأن نزول آیات در سوره قلم، اینک به واکاوی این سوره در قالب رصدشناسی عناصر نظام فرهنگی پرداخته خواهد شد تا روشن شود در دایره تحقیق، آیات این سوره در کدام‌یک از لایه‌های نظام فرهنگی قرار داد. از این‌رو، هر یک از آیات این سوره به‌تفکیک از منظر بینش، ارزش و رفتار در معیار رصد فرهنگی بررسی خواهد شد.

### معیار رصد فرهنگی آیات براساس عناصر نظام فرهنگی

آیات این قسمت در سه ساحت بینش، ارزش و رفتار رصد و دسته‌بندی شده‌اند تا در ابتدای سخن، مخاطب به این مطلب پی ببرد که آیات ذیل کدام‌یک از لایه‌های نظام فرهنگی جای گرفته و این تقسیم‌بندی براساس چه نکته‌ای از آیات شکل یافته است. منطق رصد فرهنگی به این گونه است:

الف) به‌طور کلی آیتی که با موضوعاتی همچون افعال و صفات الهی برای افزایش آگاهی و ساخت اعتقادات گام برمی‌دارند در دسته‌بندی آیات با مقوله بینش طبقه‌بندی خواهند شد. به عبارت دیگر، آیات مرتبط با مفاهیمی همچون معرفت‌شناسی ربوبی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و معادشناسی با عنوان بینشی و در حوزه باور قرار می‌گیرند؛

ب) آیتی که درصدد بیان حسن‌ها و قبح‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌ها، خوب‌ها و بدها، پسندها و ناپسندها و درواقع ساخت معیارهای ارزشی و ضدارزشی آدمی‌اند در حیطه ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند. حال ملاک و معیار ارزش‌گذاری افعال در معارف اسلامی در دو سوی نزدیکی این امور به خداوند و تقرب به او خلاصه می‌شود؛<sup>۱</sup>

ج) بخش سوم آیتی‌اند که در بیان افعال آدمی قدم نهاده‌اند یا بر امر و نهی فعلی انسان دلالت دارند؛ آیاتی که با محوریت شاخصه‌های رفتاری<sup>۲</sup> و مبنای درون‌متنی قرآن کریم شکل گرفته‌اند. همچنین، می‌توان به آیاتی اشاره کرد که تحت امر خداوند به حوزه رفتار و گزارش رفتارهای ناپسند اقوام گذشته در جهت عبرت‌گیری پرداخته‌اند. بر همین اساس، آیات در سه حیطه بینش، ارزش و رفتار رصد و واکاوی می‌شوند.

### رصدشناسی آیات فرهنگی بینشی، ارزشی و رفتاری در ساختار نظام فرهنگی

#### کلمات و عبارات در ساحت بینش

آیه ۱: وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ آیه ۲: مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ؛ آیه ۵: فَسَتَبْصِرُ وَيَصْبِرُونَ؛ آیه ۶: بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ؛ آیه ۷: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ آیه ۱۶: سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ؛ آیه ۱۷: إِنَّا بَلَوْتَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ؛ آیه ۱۹: فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ؛ آیه ۲۰: فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ؛ آیه ۳۳: كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْأَخْرَجَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ آیه ۳۴: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ؛ آیه ۴۲: يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ؛ آیه ۴۳: خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذَلَّةً وَقَدْ كَانُوا يَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَائِمُونَ؛ آیه ۴۴: ذَرْنِي

۱. میرزا محمدی، *فارابی و تعلیم و تربیت*، ۴۵.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: همت بناری و احسانی، «روش‌شناسی تعیین شاخص رفتار»، فصلنامه *علم و قرآن*.

وَمَنْ يَكْذِبْ يَهْدَا الْحَدِيثَ سَنَّاتُ رَجُلِهِمْ مَنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیه ۴۵: وَأُمْلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ؛ آیه ۴۶: أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَعْرَمٍ مَثْقَلُونَ؛ آیه ۴۷: أَمْ عِنْدَهُمُ الْعَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ؛ آیه ۴۹: لَوْ لَأَنْ تَدَارِكُهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنَيْدَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ؛ آیه ۵۰: فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ.

### کلمات و عبارات در ساحت ارزش

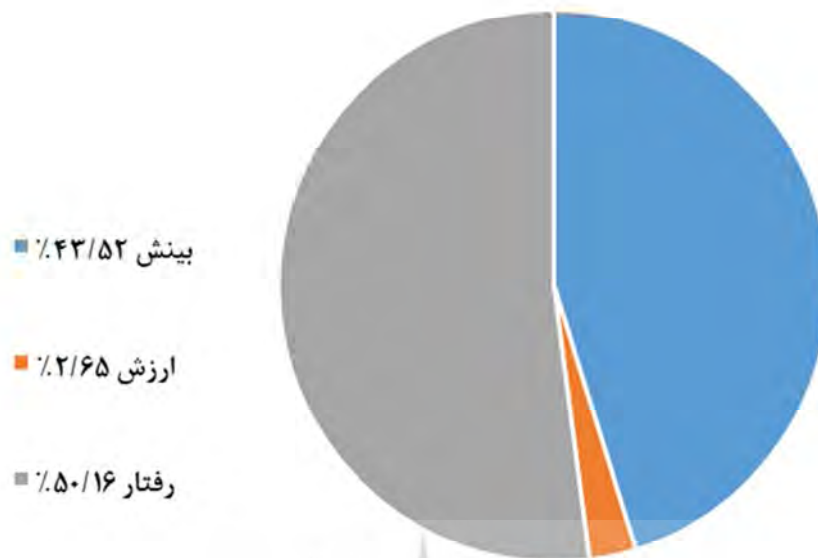
آیه ۳۵: أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ؛ آیه ۵۲: وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ.

### کلمات و عبارات در ساحت رفتار

آیه ۸: فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِبِينَ؛ آیه ۹: وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ؛ آیه ۱۰: وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ؛ آیه ۱۱: هَمَّازٌ مَّشَاءً يَمِيمٍ؛ آیه ۱۲: مَتَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ؛ آیه ۱۳: عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ؛ آیه ۱۴: أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ؛ آیه ۱۵: إِذَا تُثَلِّي عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ آیه ۱۸: وَلَا يَسْتَنُونَ؛ آیه ۲۱: فَتَنَادُوا مُصْحِحِينَ؛ آیه ۲۲: أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ؛ آیه ۲۳: فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ؛ آیه ۲۴: أَنْ لَّا يَدْخُلَتْهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ؛ آیه ۲۵: وَغَدَوْا عَلَيَّ حَرْدٍ قَادِرِينَ؛ آیه ۲۶: فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ؛ آیه ۲۷: بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ؛ آیه ۲۸: قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَأَنْ تَسْبَحُونَ؛ آیه ۲۹: قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ؛ آیه ۳۰: فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ يَتَلَاوَمُونَ؛ آیه ۳۱: قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ؛ آیه ۳۲: عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ؛ آیه ۳۶: مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؛ آیه ۳۷: أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ؛ آیه ۳۸: إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخِيرُونَ؛ آیه ۳۹: أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ؛ آیه ۴۰: سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ يَدْلِكُ زَعِيمٌ؛ آیه ۴۱: أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ؛ آیه ۴۸: فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ؛ آیه ۵۱: وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ.

نام سوره	تعداد کلمات	ساحت پیش	تعداد کلمات در	درصد	ساحت ارزش	تعداد کلمات در	درصد	ساحت رفتار	تعداد کلمات در	درصد
قلم	۳۰۰	۱۳۱	۴۳/۵۲	۸	۲/۶۵	۱۵۱	۵۰/۱۶			

سوره قلم



### محور دلالتی آیات

دلالت دارای انواع گوناگونی است<sup>۱</sup> که در همه آنها شخص از کلام گوینده و مقصود او دریافتی دارد؛ خواه این دریافت به دلیل وضع آن الفاظ در آن معنا بوده باشد یا اینکه به واسطه قرآینی بدان معنا منتقل شود. در این بخش و پس از رصد لایه‌های بینشی، ارزشی و رفتاری، آیات از منظر دلالت‌شناسی واژگانی نیز بررسی می‌شود. در ساحت دلالت‌شناسی نیز، مانند رصد، تفکیک لایه‌ای رخ داده است. این تفکیک بدین سبب بوده است که دلالت‌های استنباطی بینشی، ارزشی و رفتاری از ظاهر آیات مشخص شود. این دلالت‌ها در قالب‌های بینشی، ارزشی و رفتاری با عناوینی متمایز ذکر شده و سپس آیات هر یک از این سه محور ذیل آنها قرار گرفته است.

ساحت‌های بینشی، ارزشی و رفتاری موجود در سوره موردنظر در چند محور تقسیم‌بندی و آیات مرتبط در ذیل آنها جای‌گذاری شده است. در دلالت‌های مشخص شده سعی بر این است که از ظاهر آیات نخست در بخش تعیین محورهای دلالتی، دلالت‌هایی براساس منطوق آیات و معانی لغوی آنها مشخص، و در گام بعدی در بیان دلالت‌های مفهومی برگرفته از همان آیات، نکاتی مطرح شود. باید توجه داشت که در اینجا پس از تعیین لایه‌بندی‌ها در بخش گذشته، آیات ذیل دلالت‌هایی جمع‌بندی و

۱. ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۸۶.

دلالت‌های هر یک در نظام‌واره‌ای با عناوین بینشی «معرفت‌شناسی، راهنماشناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی»، همچنین ارزشی و رفتاری متناسب با تقسیم‌بندی براساس رصد پیشین، منظم و با نگاهی جامع و به صورت شبکه‌ای از مجموع آیات مرتبط با آن مفهوم دلالتی دسته‌بندی و سپس دلالت‌شناسی می‌شود و در پایان هم جمع‌بندی دلالتی ارائه می‌شود. بنابراین، دلالت‌شناسی مذکور براساس دایره معنایی و مفهومی برگرفته از مجموعه آیات مرتبط با مقوله متناسب با خود دسته‌بندی و نتایج استخراج شد. ممکن است برخی آیات با توجه به الفاظی در رویکرد بینشی دسته‌بندی شوند و هم‌زمان در دسته‌ای دیگر با لحاظ همان واژگان در زمره عناصر رفتاری و ارزشی نیز طبقه‌بندی گردد.

محور دلالتی	آیات	دلالت‌ها
بینشی، راهنماشناسی تأیید سلامت کامل پیامبر، ویژگی انحصاری پیامبر در برخورداری از خلق عظیم و گمراهی دشمنان وی	آیه ۳ تا ۷: مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْتُونٍ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ يَا أَيُّكُمُ الْمُفْتُونُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.	رد نسبت جنون به نبی اکرم با بیان خبری از آینده که مشخص خواهد شد چه کسی دچار جنون و گمراهی است؛ افزون بر اینکه به نبی اکرم بشارت می‌دهد که ما تو را متخلق بر اخلاق والایی قرار داده‌ایم و از نعمت‌هایی که تمامی ندارد نعمت اخلاق از بالاترین مواهبی است که خداوند به نبی خود بخشیده و این نعمت را در برابر نسبت ناروای جنون به ایشان قرار داده است. ارزش رسول خدا در نظر خداوند به‌خوبی در این آیات نمایان است. دلالت: گمراهی اندیشه‌ای و به تبع آن رفتاری نتیجه بی‌توجهی به آموزه‌های وحیانی پیامبران
* بینشی معرفت‌شناسی ربوبی، گستره علم الهی، * رفتاری تأثیر رفتارهای نابهنجار بر هدایت	آیه ۷ تا ۱۵: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيَدْهِنُونَ وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ يَنْمِيهِمْ مَتَاعٌ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتِيمٍ عُتُلٌّ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَيِّمٍ أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَيْنَ إِذَا تُثَلِّي عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ.	رفتارهایی مانند دروغ‌گویی، نرمی در اصول و مبانی با دشمنان، سوگندخوردگان فرومایه، سخن‌چینی و عیب‌جویی، مانع خیر بودن و تجاوز از حدود الهی و ظلم، باعث می‌شود سرانجام افراد در مواجهه با آیات الهی به داستان‌انگاری آنان بپردازند. نکته دیگر اینکه این دسته مدام در مسیر هدایت بهانه‌جویی می‌کنند، ولی ایراد

محور دلالتی	آیات	دلالت‌ها
		<p>اساسی این دسته در نپذیرفتن آیات الهی ناباوری به آخرت است که مسیر هدایت آنها را مسدود کرده است.</p> <p>دلالت: رابطه هدایت و رفتار دوسویه و متقابل است و جهان‌بینی نادرست تولید رفتار ناپهنجار و این کنش‌های ناپهنجار تغییر مسیر هدایت را به دنبال دارد؛ بصیرت شاخصه تشخیص گمراهان از هدایت‌شدگان؛ علم الهی گمراهی و هدایت انسان را نیز دربرمی‌گیرد</p>
<p>* بینشی معرفت‌شناسی ربوبی، انسان‌شناسی امتحانات الهی سنجه‌ای برای انسان نزد خدا</p>	<p>آیه ۱۷: إِيَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ.</p>	<p>امتحانات الهی مخصوص دسته‌ای از انسان‌ها نیست و همه اعصار را دربرمی‌گیرد و در این میان انسان‌ها با رویکردهای گوناگون با آنها مواجه می‌شوند؛ بدین صورت که اگر با نعمتی آزمایش شوند، خود را شایسته نعمت می‌دانند و در سوی دیگر که امتحان با ضیق و سختی است آن را برای خود توهین می‌شمرند؛ در صورتی که باید توجه داشت که هر دو (نعمت و سختی) موارد امتحانی است. همچنین، با گسیل داشتن مسکین و یتیم به سمت افراد یا اموال و... در ورطه امتحان قرار می‌گیرند تا عیار و تراز انسانیت انسان معین شود. خداوند مسئله مال‌اندوزی صرف را، به‌طوری‌که همه ابعاد زندگی انسان را متأثر سازد و تمام هم‌وغم خود را معطوف به این عمل کند، مقوله ضدارزش دینی می‌داند.</p> <p>دلالت: عامل سنجش انسان امتحانات</p>

محور دلالتی	آیات	دلالت‌ها
		<p>فردی و اجتماعی اوست؛ انسان دائماً در حال امتحان و سنجیده شدن قرار دارد و باید هنجارها را با این بینش تنظیم کند؛ بیان گوناگونی عکس‌العمل‌های انسانی در ابتلائات و شناخت‌شناسی نوع انسانی</p>
<p>* رفتاری رفتار اقتصادی مطلوب و نقش انفاق و بخل در روند زندگی و جلب هدایتی الهی به سوی انسان</p>	<p>آیه ۱۸: <b>وَمَا يَسْتَوُونَ</b>.</p>	<p>باید به این نکته مهم توجه کرد که در بخل توهم بی‌نیازی نهفته است و شخص نمی‌داند که در زمان بلا و عذاب دیگر دارایی‌های دنیا به کارش نخواهد آمد و غافل است که هدایتگر اصلی خداست. زیرا خداوند، پس از ناکارایی دارایی‌ها، به جریان هدایت از جانب خود می‌پردازد. در جایی نیز سبب عذاب و بلای برخی اغنیاء را توجه نکردن به نیازهای نیازمندان و مستمندان می‌داند و نیز بر ارزش‌گذاری کمک کردن و قرار دادن سهمی از مال و دارایی خود برای فقیران، نیازمندان و مستمندان اشاره دارد.</p> <p>دلالت: توزیع ثروت در میان سطوح مختلف جامعه با توجه به نیازهای مستمندان؛ ایمان به تأثیرات انفاق در مسیر هدایت بشر به سمت سعادت ابدی؛ تنظیم رفتار اقتصادی انسان</p>
<p>ارزشی: نابرابری مسلمین با مجرمان</p>	<p>آیه ۳۵ تا ۳۶: <b>أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ</b>.</p>	<p>خداوند در این آیه برای مسلمانان جایگاه و ارزش بلندی را قائل شده است و مسلمانان را بسیار باارزش‌تر از مجرمان می‌خواند و این دو را با یکدیگر برابر و دارای ارزشی واحد نمی‌داند.</p> <p>دلالت: ارزش‌گذاری‌های الهی به میزان</p>

محور دلالی	آیات	دلالت‌ها
		ارتباط، پذیرش و تسلیم انسان‌ها وابسته است
رفتاری: عبرت از سرگذشت پیشینیان و اطلاع از چگونگی مواجهه خداوند با آنها	<p>آیه ۴۸ تا ۵۰: فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ.</p>	<p>برای تربیت و رشد ظرفیت‌های درونی، خداوند آنها را دچار دگرگونی‌هایی کرده و براساس نوع رفتاری که در آن زمینه از خود نشان دادند، با آنها رفتار مقتضی را اراده کردند. در این میان، بیان این سرگذشت‌ها در قالب داستان چند نکته دارد: نخست اینکه بدانیم سرانجام ناسپاسی، طغیان و شرک در برابر خداوند چیست؛ دوم اینکه با توجه به دستورهایی همچون صبر و تسبیح خداوند، دچار دگرگونی‌های گذشتگان نشویم؛ سوم اینکه ارسال رسولان و انبیا اگر پذیرفته شود، هدایت و فرجام نیکو در انتظار است و درمقابل اگر فرد با عصیان و تکذیب و مخالفت برخورد کند، دچار وبال و عذاب خواهد شد.</p> <p>دلالت: یادکرد زندگی، افکار و فرجام پیشینیان به انسان در مسیر هدایت، پذیرش یا رد افکار و اندیشه‌ها کمک شایانی می‌کند</p>
جهان‌بینی ربوبی «بینشی»، معرفت‌شناسی ربوبی، رفتاری»	<p>آیه ۴۹ تا ۵۰: لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ.</p>	<p>باید دانست و باور داشت که همه رخدادهای جهان خلقت مخلوق الهی‌اند. انسان، طبیعت و هر آنچه در شرق و غرب عالم مشاهده می‌شود در حیطه مخلوقات الهی‌اند. خداوند به همه آنها اشراف کامل دارد و همه اعمال، از گذشته تاکنون و در آینده نیز، در این دایره قرار می‌گیرند. پس</p>

محور دلالتی	آیات	دلالت‌ها
		<p>از دنیا نیز سرای آخرت و جهان پس از مرگ را شامل می‌شود. در این حالت، هدایت، دنیا و پس از آن از آن خداست و هر آن که را بخواهد هدایت می‌کند و هر آن که را نخواهد از هدایت خود محروم می‌سازد. در این میان، با نگاه به جهان با همه موجودات، باید همه را از آن خدا دانست و اراده‌ها نیز در طول اراده الهی قرار دارند.</p> <p>دلالت: رفتارها فرع بر ارزش‌ها و ارزش‌ها بعد از بُعد بینشی است. از این‌رو، تنظیم این ساحت مقدم بر ساحت‌های دیگر است و جهان‌بینی افراد علل رفتارسازی افراد خواهد بود؛ احاطه علمی و خلقی بر همه مخلوقات؛ هدایت و ضلالت، افزون بر اختیار انسان، به خواست خدا نیز ارتباط دارد</p>

#### دلالت‌شناسی فرهنگی آیات سوره قلم

نتیجه داده‌های مندرج در جداول پیشین ما را به این امر رهنمون می‌کند که در الگوی قرآن در اولویت‌سنجی عناصر نظام فرهنگی - که بدان اشاره شد - و بررسی داده‌های آماری به‌دست‌آمده از جدول‌ها و نمودارهای ارائه‌شده، خدای متعال در یک چهارچوب تقریباً یکسان و مشخص به تبیین نظام فرهنگی در جامعه اسلامی آغاز بعثت در شهر مکه پرداخته است.

چند نکته از دلالت‌های محتوایی و داده‌ای جداول برداشت می‌شود:

۱. رکن بینشی حجم بیشتری از مجموع آیات سوره را دربرمی‌گیرد؛

۲. رکن رفتاری بعد از بینشی، درصد بیشتری از آیات را به خود اختصاص داده است؛

۳. رکن اساسی و هسته‌ای این سوره رکن بینشی و چند آیه ارزشی است؛ این در حالی است در فرض

سه حالت الگویی موجود می‌توان برخی سوره‌ها را فاقد رکن ارزشی یا رفتاری تصور کرد؛

۴. براساس محتوای سوره در رفتارسازی، لزوماً وجود هر سه رکن در لایه‌های نظام فرهنگی ضرورتی ندارد و با نبود یکی از رکن‌ها این هدف به دست می‌آید، حال آنکه این سوره هر سه رکن را داراست. همان‌گونه که از داده‌های آماری برمی‌آید، بیشترین تأکیدی که خداوند در این سوره داشته در ساحت فرهنگی با رویکرد بینشی بوده است. به سخن دیگر، با توجه به بافت فرهنگی مکه در هنگام نزول سوره قلم، بینش‌سازی در قالب جهان‌بینی ربوبی در اولویت قرار دارد و ارزش‌گذاری و رفتارسازی در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. بنابر همین مطلب، دال مرکزی جهان فرهنگی قرآن کریم، متکی و متعلق به مفهوم بنیادین توحید است. این مفهوم بنیادین و معرفت‌بخش عناصر و نشانه‌هایی را بر پایه مبانی، غایات، اصول و فرض‌های بنیادین حول خود مقوله‌بندی می‌کند که به همه آنها صبغه‌ای الهی می‌بخشد و با ادراکات نظام‌یافته‌ای که در زندگی انسان نهادینه می‌کند، هویت فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها را تابع خود می‌سازد.<sup>۱</sup>

پس از بینش‌سازی و تأکید بر امور اعتقادی، این سوره به مقوله ارزش‌گذاری اشاراتی هرچند اندک دارد و سپس به رفتارسازی گام می‌نهد و به رفتارسازی‌ها با رویکردهای فردی و اجتماعی، عبادی و فرهنگی و اقتصادی تأکید دارد.

چنین به نظر می‌رسد که آنچه خداوند متعال در آغاز بعثت بر آن تأکید داشته ایجاد بینش صحیح در میان مردم مکه و نومسلمانی بوده است که تازه با معارف اسلامی آشنا می‌شدند. به نظر می‌رسد در نظام فرهنگی مطلوب قرآن، چنین انتظار و غایتی مد نظر بوده است که اگر فردی به بینش صحیح دست یابد و از این مرحله سخت عبور کند، وارد حیطه ارزش‌گذاری‌های صحیح می‌شود و با تراز مسلمانی و غیرمسلمانی از او یاد می‌شود و سپس در مرحله بعدی رفتارسازی درباره او کار چندان دشواری نخواهد بود. از این رو، تکیه این آیات بیشتر در موضوع بینش‌سازی بوده است. نکته مهم دیگر اینکه پس از تأکید بسیار در فضای تربیت بینشی بر ساحت جهان‌بینی ربوبی و دیگر مسائل مرتبط با این ساحت، نیازی به وجود ارزش‌گذاری به مانند بینش‌سازی دیده نمی‌شود و بیشترین آیات به لایه رفتار اختصاص دارد. پس، در سوره قلم رویکرد فرهنگی - ارزشی بسیار اندکی مشاهده می‌شود. به‌طور کلی، براساس عناصر نظام فرهنگی و لایه‌های موجود در این نظام‌واره، این الگوها در سوره‌های قرآن قابل تصور است:

۱. الگوی کامل: عناصر بینشی، ارزشی، رفتاری؛
۲. الگوی بینشی - ارزشی: «فقدان رویکرد فرهنگی رفتاری»؛
۳. الگوی بینشی - رفتاری: «فقدان رویکرد فرهنگی ارزشی».

۱. فخر زارع، جهان فرهنگی قرآن، ص ۱۶۶.

## تبیین تنوع الگویی

دسته نخست از این الگو کامل‌ترین نوع از الگوهای فرهنگی است و همه لایه‌بندی‌های نظام فرهنگی را دارد و این در حالی است که براساس منطق رصد فرهنگی، در سوره قلم چنین به نظر می‌رسد که تأکید بر مسئله بینش و باورسازی وجه مشترک در همه تقسیم‌بندی‌هاست. در یک نگاه جامع، می‌توان ارکان و اجزای الگوی موردنظر را به اجزای اصلی و ثابت و اجزای متغیر تقسیم‌بندی کرد. اجزای اصلی و ثابت همان بینش‌ها هستند و در همه انواع این الگوها حضوری فعال دارند و اساساً از ساختار اصلی الگوهای استخراجی انفکاک‌ناپذیرند. برخلاف مورد قبلی، ممکن است اجزا و ارکان متغیر الگو را تشکیل دهند. البته اجزای بینشی موجود در سوره‌ها چون دارای اولویت خاص و بیشتری نسبت به عناصر نظام فرهنگی‌اند، در همه الگوها اولاً حضور دارند و ثانیاً در گام نخست به آنها پرداخته شده است. بنابراین، این عنصر به سبب زیربنایی بودن و نقش بنیادین در نظام فرهنگی درباره ارزش‌گذاری و رفتارسازی، دارای اولویت نخست در نظام فرهنگی سوره‌های قرآن می‌تواند باشد. مطلب دیگری که باید بدان توجه کرد این است که عنصر دیگر این نظام فرهنگی، در الگوها با اولویت رتبی و تقدم جایگاهی در سوره‌ها قرار گرفته است و عنصر بینش و ارزش عناصر هسته مرکزی این نظام‌واره در جهت رفتارسازی به حساب می‌آیند.

### الگوی بینشی - ارزشی (فقدان رفتار)

بر پایه تحلیل محتوایی صورت‌گرفته می‌توان چنین گفت که به‌طور کلی در سوره‌هایی که بیشترین تأکید بر امر ارزش‌گذاری پس از بینشی است، قرآن در پی آسیب‌شناسی فرهنگی در حوزه رفتار است و علت این آسیب به‌وجودآمده را نقص در حیطه بینشی و ارزشی افراد می‌داند. به دیگر سخن، علت اینکه در این دسته به رفتار اشاره‌ای نشده است می‌تواند نگاه خاستگاه‌شناسانه سوره باشد؛ به این معنا که در این سنخ از سوره‌ها سرچشمه رفتارسازی در جامعه بررسی شده است که بینش‌ها و ارزش‌ها هستند؛ تأکید بر مقوله بینش‌ها که در فرایند ارزش‌ها تصحیح خواهند شد. بر همین اساس، با تأکید بر جهان پس از مرگ و مقوله معادباوری و یادکرد رخدادهای جهان پس از مرگ برای مخاطب خاص<sup>۱</sup> خود یا ناسودمندی این نوع از رفتار برای نوع بشر،<sup>۲</sup> درواقع از هسته رفتارسازی فرهنگی در حیطه بینش و ارزش استفاده کرده و تراز رفتارهای صحیح را براساس این نوع از جهان‌بینی و ارزش‌گذاری نمایان ساخته است. شاید نظر خداوند در این نوع سوره‌ها این باشد که برون‌داد این جهان‌بینی‌ها و ارزش‌گذاری‌ها یقیناً رفتار صالح است

۱. «سَيَصْلَى نَاراً ذَاتَ لَهَبٍ \* وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ \* فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ».

۲. «وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى \* وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى \* وَمَا يَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى \* الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى».

و دیگر نیازی به بیان رفتارها و خروجی‌های این نوع بینش و ارزش نبوده است. به سخن دیگر، متغیری که باعث شده در این نوع از الگو به مقوله رفتار نپردازد نقش رفتارسازی هسته مرکزی فرهنگ، یعنی بینش‌ها و ارزش‌ها، است. چون بینش‌ها و ارزش‌ها دو لایه اثرگذار در رفتارسازی‌های انسانی هستند، تصحیح این دو لایه با تأکید بر تصحیح بینش‌ها به عنوان عنصر ثابت در هر دو نوع الگویی، انسان را در فرایند تولید و انجام رفتار بهنجار یا، در صورت وجود اشکال در این دو عنصر، نابهنجار قرار خواهد داد. در منطق الگوی حاضر در برخی سوره‌ها، با تأکید بر این دو عنصر، دیگر به رفتارهای خروجی مبتنی بر این دو عنصر نیاز نیست و برون‌دادهای مبتنی بر نقصان در این دو عنصر دیده نمی‌شود. بنابراین، در سوره قلم، این مدل الگویی به هسته مرکزی رفتارسازی توجه کرده است که با تأسیس اصولی رفتارهای مبتنی بر همان اصول و متناقض با آن اصول مشخص در یک نگاه کلی به عنوان رفتارهای بهنجار و نابهنجار به‌خودی‌خود مشخص می‌شود و به بیان همه برون‌دادهای رفتاری مبتنی بر این الگو نیاز نخواهد بود.

#### الگوی بینشی - رفتاری (فقدان ارزش)

منطق قرآن‌شناختی در تحلیل این الگو، پس از تأکید و اهتمام ویژه به رسیدن به معرفت‌شناسی صحیح، وارد رفتارسازی جامعه می‌شود، با این تفاوت که در مواردی به آسیب‌شناسی رفتاری می‌پردازد که پس از بیان جهان‌بینی ربوبی و لزوم اعتقاد به این نوع جهان‌بینی،<sup>۱</sup> بلافاصله به رفتار ناهنجاری که برآمده از عدم جهان‌بینی صحیح است بر فرازمانی و فرامکانی بودن این آسیب در نوع بشر تأکید و اشاره می‌کند.<sup>۲</sup> همچنین پس از جهان‌بینی صحیح، اهتمام به رفتارسازی که زاییده این نوع معرفت‌شناسی صحیح است را تأیید و از آن به‌عنوان رفتاری بهنجار یاد می‌کند.<sup>۳</sup> در هر دو نوع از این الگو، مقوله ارزش، با توجه به تأکیدهای بسیار عمیق و هدف‌دار در حیطه بینش، عملاً نقش آفرینی چندانی ندارد و گویا بدین امر تأکید دارد که اگر در رفتارشناسی و رفتارسازی و آسیب‌شناسی رفتاری به امر خطیر و بنیادین بینش و باور درست عمل شود، رفتارسازی به‌سرعت شکل خواهد گرفت و اگر در طرف مقابل، این امر دچار اختلال و نقص شود، رفتار نابهنجار به همان سرعت از انسان سرمی‌زند. از این الگو چنین برداشت می‌شود که نقش و نیروی ارزش به اندازه قدرت مقوله باور و بینش در رفتارسازی و آسیب‌شناسی رفتاری انسان پررنگ نخواهد بود؛ زیرا ارزش خود زاییده باوری است که شخص دارد و بر همین اساس معلول تمام آثار

۱. «رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ، وَرَبِّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ».

۲. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ، أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَلِي».

۳. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».

خود را از علت می‌گیرد و نمی‌تواند مؤثرتر از آن باشد. چنین به نظر می‌رسد که متغیری که باعث عدم بیان ارزش در این نوع از الگو در سوره موردنظر شده نقش تأثیرگذار بینش در حوزه رفتارسازی است. به سخن دیگر، اگر بینش در بالاترین و صحیح‌ترین سطح خود فعال باشد، ارزش‌گذاری به سرعت رخ خواهد داد (رابطه علی و معلولی و تأثیر و تأثر از یکدیگر)، و در این فرایند انسان به ارزش‌گذاری التفات چندانی ندارد و وارد حیطه رفتاری خواهد شد.<sup>۱</sup> در این نوع از الگو، انسان به واسطه احاطه بینشی صحیح، بدون واسطه‌گری عنصر ارزش‌گذار خود، وارد حیطه رفتاری می‌شود و آن رفتار بهنجار را بروز می‌دهد. از این دسته، چنین برداشت می‌شود که انسان اگر دارای بینش صحیح و بی‌نقصی باشد، این بینش او را ملزم به انجام رفتار صحیح مبتنی بر همان بینش می‌کند و اگرچه ارزش‌گذاری در این میان هست، التفاتی به آن نمی‌شود.<sup>۲</sup>

باتوجه به آنچه در جداول رصد فرهنگی و محورهای دلالتی تبیین شد، مشخص شد که آیات سوره تحت کدام یک از عناصر تشکیل‌دهنده نظام فرهنگی دسته‌بندی شده‌اند. براساس این داده‌ها و محتوای موجود در این سوره، الگوی مشخص شده به عنصر بینش و رفتار اهتمام بیشتری دارد. بینش باید به ارزش‌گذاری ختم می‌شد، که مشخص شد نظریه ترتیب این عناصر در این سوره رعایت نشده است؛ زیرا در سوره قلم ابتدا بر بینش، سپس رفتارسازی و پس از آن بر بینش و رفتارسازی و ارزش‌گذاری به مسلمانان تأکید شده است. این موضوع به خوبی مشخص شد که سیر ترتیب بینش، ارزش و رفتار در این سوره رعایت نشده است. تمام عناصر در این سوره وجود دارند، ولی قرآن التزامی به ترتیب نداشته و همان‌گونه که مشاهده شد، چینش این عناصر در آیات به شکل سیال و غیرترتیبی است.

### جدول الگویی

سوره	رکن بینشی	رکن ارزشی	رکن رفتاری
وجود عناصر	*	*	*
ترتیب عناصر	بینشی - رفتاری	رفتاری - ارزشی	بینشی - ارزشی

۱. شاید گفته شود که گرایش‌ها و میل‌ها آن قدر قدرت دارند که بینش را حذف کنند و مستقیماً به رفتار منتهی شوند؛ همان‌گونه که حضرت امیر فرموده‌اند: «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعْشَى (أعمى) بَصْرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ». خیر. اساساً امیال و گرایش‌ها براساس باورهای اشخاص تنظیم می‌شوند و فرض اینکه میلی در شخص وجود داشته باشد بدون باور متصور نیست. در روایت مذکور نیز میل به خواستن چیزی که برون‌دادهای شخص را مدیریت می‌کند ریشه در باورهای او دارد که اشتیاق فرد را شدت و ضعف می‌بخشد.

۲. باید توجه داشت که اگرچه ارزش‌ها تأثیراتی در رفتارسازی دارند، با وجود بینش‌ها (صحیح و نادرست)، فرایند رفتارسازی به سرعت رخ می‌دهد و چنین به نظر می‌رسد که ارزش‌گذاری برای فرد از اهمیت چندانی برخوردار نیست. آگاهی نسبت به چیزی مانند علم به مضرات سیگار لزوماً در شخص باور به این ضررها را به وجود نمی‌آورد و به مجرد دانایی در افراد، باور تولید نخواهد شد. لذا عمل شخص برخلاف علم خویش افزایشی در اثرگذاری ارزش در رفتار ندارد، بلکه در فرایند رفتارسازی، بینش هم در رفتار و هم قبل از آن، در ارزش‌گذاری‌ها، تأثیر بسزایی دارد.

## نتیجه

تحلیل‌های فرهنگی موجود در این نگارش، از این جهت که از مسیر رصدشناسی به فهم دلالت‌های فرهنگی موجود در آیات رسیده‌اند، نخستین مدل کاری برای تحلیل دلالتی آیات قرآن کریم در ساختار نظام‌واره‌ای فرهنگی‌اند و تلاش برای تبیین آموزه‌های فرهنگی قرآن از دیدگاه تحلیل واژگانی و معنایی و شبکه مفهومی میان آیات از دستاوردهای این نوشتار به شمار می‌آید. نتیجه حاصل از پژوهش مدلی شناور و غیرترتیبی و درعین حال برخلاف نظریه مشهور فرهنگ‌پژوهان در تبیین ساختار نظام فرهنگی جامعه با محور آیات الهی است. الگوی کشف‌شده رعایت ترتیب در فرایند رفتارسازی جوامع را که فرهنگ‌پژوهان به آن التزام دارند (بینش، ارزش و سپس رفتار) درباره قرآن و پذیرش این التزام توسط قرآن را نمی‌پذیرد. علاوه بر آن، در سه نوع الگوی اکتشافی قابل‌تصور در این تحقیق، فقط یک الگو همه ارکان و عناصر نظام فرهنگی را داراست و در دو نوع دیگر، فاقد یکی از عناصر است، که سوره موردکاوش این تحقیق از دسته نخست است. یافته دیگر اینکه ترتیب در لایه‌های عناصر نظام فرهنگی در سوره مدنظر برای رفتارسازی شرط نیست و ارتباط میان عناصر از حالت ترتیبی به حالتی سیال و غیرترتیبی در نظام فرهنگی مبدل شده است و نسبت عناصر این نظام تقدم رتبی و علی و معلولی نیست.

## منابع و مأخذ

### - قرآن کریم.

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله (۱۹۷۱ م). *شرح نهج البلاغه*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن سلیمان، مقاتل (۲۰۰۲ م). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق). *مناقب آل‌أبی‌طالب* علیه‌السلام. قم: نشر علامه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بریجانیان، ماری (۱۳۸۱). *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی: انگلیسی - فارسی*. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۵). *تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۵). *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*. قم: تمدن نوین اسلامی.
- جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۱). *مجموعه آثار*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- ذوعلم، علی (۱۳۹۲). *فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- ذوعلم، علی (۱۳۹۷). **فرهنگ ناب اسلامی؛ مبانی و الگوهای مفهومی**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رزاقی، افشین (۱۳۸۲). **نظریه‌های ارتباطات اجتماعی**. تهران: نشر پیکان.
- سورین، ورنر جوزف و جیمز تانکارد (۱۴۰۱). **نظریه‌های ارتباطات**. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸ م). **التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم**. اربد. دار الکتب الثقافی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). **التبیین فی تفسیر القرآن**. تصحیح احمد حبیب عاملی. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۸). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**. تهران: هزاره ققنوس.
- عبدی، عباس (۱۳۹۱). **نظام فرهنگی - اجتماعی مطلوب در قرآن**. قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- فخر زارع، سید حسین (۱۳۹۹). **جهان فرهنگی قرآن**. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- فیتس جرال، استیون پی. (۱۳۹۴). **الگوهای سازمانی**. ترجمه راحله فاضلی. تهران: نشر دنیای اقتصاد.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). **تفسیر القمی**. قم: دار الکتب.
- مصباح یزدی، محمدتقی (پاییز ۱۳۸۱). **تهاجم فرهنگی**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- میرزا محمدی، محمدحسین (۱۳۸۴). **فارابی و تعلیم و تربیت**. تهران: یسپرون.
- ناظمی اردکانی، مهدی و محسن فتح‌اله بیاتی (۱۳۹۸). **رویکرد سیستمی به فرهنگ و مهندسی آن**. تهران: آثار فکر.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷). **فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول**. تهران: نشر نی.
- همت بناری، علی (۱۳۹۴). **روش‌شناسی تعیین شاخص رفتاری در قرآن، نشریه قرآن و علم**، ۹ (۴). ۳۳-۶۲.
- یعقوبی، ابوالعباس احمد بن اسحاق (بی تا). **تاریخ یعقوبی**. بیروت: دار الصادر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی